

برخی از آثار یاد مرگ

سید جواد موسوی

مرگ، حقیقتی قطعی

و غیر قابل انکار

مرگ حقیقتی قطعی و غیر قابل انکار برای هر موجود زنده می باشد که خداوند چشیدن طعم آن را به عنوان یک قانون کلی بیان نموده، می فرماید: ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾؛^۱ «همه کس چشنده مرگ است.»

این آیه دلالت بر عمومیت سخن حق تعالی دارد و اینکه هر صاحب نفسی ناچار و ناگزیر است از چشیدن طعم مرگ، و تفاوتی نمی کند که این موجود حیوان باشد یا گیاه و یا فرشته؛ پس هر موجود زنده ای به ناچار

خواهد مرد. مگر خداوند تعالی که او زنده است و نمی میرد و او اول و آخر تمام اشیاء است. ﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ * وَيَبْقَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ﴾؛^۲ «هر کس که بر زمین موجود است در معرض فنا است و پاینده است ذات پروردگار تو.»

مرگ حقیقتی است که هر روز به طور آشکار آن را مشاهده می کنیم و یا چیزی در رابطه با آن می شنویم؛ اما انسانی که علاقمند به زندگی دنیایی است و به بازیهای دنیایی سرگرم شده و گمان می کند که مرگ، نابودی است و

۱. آل عمران/۱۸۵.

۲. الرحمن/۲۶ و ۲۷.

مَرَّةً؛^۳ به رسول خدا ﷺ عرض کردند: آیا کسی با شهدا محشور خواهد شد؟ فرمود: بلی، کسی که در شبانه روز بیست مرتبه مرگ را یاد کند.»

ایشان همچنین این افراد را زیرک ترین مردم می داند: «سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَيُّ الْمُؤْمِنِينَ أَكْبَسُ. فَقَالَ أَكْثَرُهُمْ ذِكْرَ الْمَوْتِ وَأَشَدَّهُمْ لَهُ اسْتِعْدَاداً؛^۴ از حضرت رسول خدا ﷺ سؤال شد: زیرک ترین مردم چه کسی می باشد؟ فرمود: آن کس که بیشتر یاد مرگ کند و زیاده تر مهیای آن شده باشد.»

و این یاد مرگ به قدری مهم است که حضرت علی علیه السلام برای آن حقی قائل شده، می فرماید: «مَا أَنْزَلَ الْمَوْتَ حَقًّا مَنزِلَتِهِ مَن عَدَّ عَدًّا مِنْ أَجَلِهِ؛^۵ کسی که فردا را از زندگی خود بشمارد، حق مرگ را چنان که در خور آن است رعایت

زندگی بعد از آن هرگز معنایی ندارد، از یاد مرگ می ترسد و از نشانه های آن فرار می کند؛ در حالی که خداوند چنین انسانهایی را مورد خطاب خویش قرار داده، می فرماید: «أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكَكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ؛^۱ هر کجا باشید، مرگ شما را فرا می گیرد؛ اگر چه در کاخهای بسیار محکم باشید.»

«قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ؛^۲ بگو: مرگی که شما از آن می گریزید حتماً شما را ملاقات خواهد کرد.»

خداوند در آیات فوق به این مطلب مهم اشاره می فرماید که فرار از مرگ فایده ای ندارد و یقیناً روزی مرگ انسان فرا می رسد و این حقیقتی قطعی در عالم وجود است.

اهمیت یاد مرگ

یاد مرگ، نقشی بسیار سازنده در زندگی انسان دارد به گونه ای که پیامبر اکرم ﷺ به یاد آورندگان آن را، هم درجه شهدا معرفی می کند: «قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَلْ يُخْشَرُ مَعَ الشُّهَدَاءِ أَحَدٌ. قَالَ نَعَمْ مَنْ يَذْكُرُ الْمَوْتَ بَيْنَ الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ عَشْرِينَ

۱. نساء، ۷۸.

۲. جمعه، ۸.

۳. مستدرک الوسائل، محدث نوری، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۱۰۴.

۴. وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۳۵.

۵. الکافی، کلینی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش، ج ۳، ص ۲۵۹.

نکرده است.»

چگونه ممکن است انسان از کنار این مسئله به راحتی بگذرد و آن را نادیده بگیرد؛ در حالی که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَا مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ شَعَرَ وَلَا وَبَرَ إِلَّا وَمَلَكَ الْمَوْتِ يَنْصَفُهُمْ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ؛^۱ هیچ خانواده‌ای؛ از شهر نشین و بادیه نشین نیست مگر اینکه فرشته مرگ شبانه روزی پنج بار آنان را از نظر می‌گذراند.»

اهمیت یاد مرگ به اندازه‌ای است که حضرت مسیح علیه السلام در جواب حواریین که سؤال کردند: «مَنْ أَوْلِيَاءُ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَخْزَنُونَ؛ اولیایی که هیچ ترس و اندوهی بر آنها نیست چه کسانی هستند؟» یکی از ویژگیهای اولیای خدا را دوست داشتن یاد مرگ و رها نمودن یاد دنیا معرفی می‌کند و می‌فرماید: «أَحْبُوا ذِكْرَ الْمَوْتِ وَتَرَكَوا ذِكْرَ الْحَيَاةِ؛^۲ یاد مرگ را دوست دارند و یاد زندگی را رها می‌کنند.»

همچنان که سیره عملی ائمه معصومین علیهم السلام نیز در هنگام یاد مرگ این‌گونه بوده است.

به عنوان نمونه در مورد حالات امام حسن مجتبی علیه السلام نقل شده است که: «إِذَا ذَكَرَ الْمَوْتَ بَكَى وَإِذَا ذَكَرَ الْقَبْرَ بَكَى وَإِذَا ذَكَرَ الْبَغْتَّ وَالْتُّشُورَ بَكَى وَإِذَا ذَكَرَ الْمَمَرَّ عَلَى الصَّرَاطِ بَكَى وَإِذَا ذَكَرَ الْعَرَضَ عَلَى اللَّهِ ذَكَرَهُ شَهَقَ شَهَقَةً يُغْشَى عَلَيْهِ مِنْهَا؛^۳ وقتی یاد مرگ می‌کرد، می‌گریست. و چون یاد قبر می‌کرد، می‌گریست. و چون از [قیامت و] بعث و نشور یاد می‌کرد، می‌گریست. و چون متذکر عبور از صراط می‌شد، می‌گریست. و هر گاه به یاد توقف در پیشگاه خدای تعالی [در محشر] می‌افتاد، فریادی می‌زد و بی‌هوش [روی زمین] می‌افتاد.»

فکر کردن در مورد مرگ به قدری دارای تأثیرات مفید است که از برترین اندیشه‌ها و برجسته‌ترین عبادتها شمرده شده است؛ همچنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ ذِكْرُ الْمَوْتِ وَأَفْضَلُ التَّفَكُّرِ ذِكْرُ

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۱۴۳.
 ۲. الفرقان فی تفسیر القرآن، محمد صادقی، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ ش، چاپ دوم، ج ۱۴، ص ۱۲۷.
 ۳. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۳۱.

فکر کردن در مورد مرگ به قدری دارای تأثیرات مفید است که از برترین اندیشه‌ها و برجسته‌ترین عبادتها شمرده شده است

امام صادق علیه السلام در مورد تأثیر عمیق یاد مرگ بر بیداری روح و جان آدمی می‌فرماید: «ذَكَرُ الْمَوْتِ يُمِيتُ الشَّهَوَاتِ فِي النَّفْسِ وَيَقْطَعُ مَنَابِتِ الْغَفْلَةِ وَيَقْوَى النَّفْسَ بِمَوَاعِدِ اللَّهِ وَيُرِقُّ الطَّبَنَعَ وَيَكْسِرُ أَعْلَامَ الْهَوَىٰ وَيُطْفِئُ نَارَ الْحَرِصِ وَيَحَقِّرُ الدُّنْيَا»^۱ یاد مرگ خواهشهای باطل را از دل زایل می‌کند و ریشه‌های غفلت را می‌کند و دل را به وعده‌های الهی قوی و مطمئن می‌گرداند و طبع را رقیق و نازک می‌سازد و علمهای هوا و هوس را می‌شکند و آتش حرص را

الموت؛^۱ برترین عبادت یاد مرگ است و برترین تفکر یاد مرگ است.»
یاد مرگ دارای آثار بسیاری می‌باشد که در منابع اسلامی به آنها اشاره شده است. ما در این نوشتار به برخی از آنها خواهیم پرداخت:
۱. غفلت زدایی و آگاهی بخشی

از جمله آثار یاد مرگ، رهایی از غفلت و هشیاری نسبت به حقایق مهم پیرامونمان می‌باشد. در واقع، ما انسانها از یاد مرگ می‌ترسیم و فریب دنیا را می‌خوریم و به بازیچه سرگرم می‌شویم؛ در حالی که برای آخرت آفریده شده‌ایم؛ ولی این دنیا را که در آن هستیم دوست داریم. هیچ‌گاه نباید فراموش کنیم که زندگی ما نفسهایی است که شمرده می‌شود و چون نفسی بگذرد، قسمتی از آن کاسته شده و قدمی به مرگ نزدیک‌تر شده‌ایم. و باید گفت: «جَنَّةُ هَاي خَامُوش، تُو رَا مَوْعِظَةُ مِي كُنْد وَ مَرْدَةُ سَاكِت بَه تُو مِي گويد، استخوانهای پوسیده و تنهای خفته سخن می‌گویند و قبر تو را که هنوز زنده مانده‌ای میان قبرها نشان می‌دهد.»^۲

۱. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۴.

۲. ترجمه مروج الذهب و معادن الجواهر، ابو القاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش، ج ۲، ص ۳۶۱.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۵.

همچنان که آهن زنگ می‌زند، این دلها نیز زنگار می‌بندد. عرض شد: ای رسول خدا! صیقل دادن آنها به چیست؟ فرمود: تلاوت قرآن و به یاد مرگ بودن.»

گوید اندر نزع از جان آه مرگ این زمان کردت ز خود آگاه مرگ این گلولی مرگ از نعره گرفت
 طبل او بشکافت از ضرب ای شگفت^۱
 ۲. زهد و بی‌رغبتی به دنیا

غفلت از مرگ، دنیا را در نظر انسان زیبا و بارزش جلوه می‌دهد و او را سخت شیفته و واله خویش می‌گرداند، به طوری که عقل او را از درک هر حقیقت و واقعیتی همچون مرگ محروم می‌سازد؛ اما انسان غافل، در راه رسیدن به خواسته‌های نفسانی از هیچ سعی و تلاشی فروگذاری نمی‌کند و از پای نمی‌نشیند. یاد مرگ

فرو می‌نشانند و دنیا را حقیر و بی‌مقدار می‌سازد.»

به همین دلیل است که هر امر مربوط به مرگ، می‌تواند عامل بیداری و دوری فرد از غفلت محسوب گردد؛ همچنان که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ كَانَ مَعَهُ كَفَنُهُ فِي بَيْتِهِ لَمْ يَكْتَبْ مِنَ الْغَافِلِينَ»^۱ کسی که کفنش با او در خانه‌اش باشد، از غافلان به شمار نمی‌آید.»

و یا اینکه می‌فرماید: «إِذَا أَنْتَ حَمَلْتَ جَنَازَةً فَكُنْ كَأَنَّكَ أَنْتَ الْمَحْمُولُ»^۲ هنگامی که جنازه کسی را برداشتی، فکر کن که گویا تو خود آن کسی هستی که [در تابوت است و] آن را برداشته‌اند.»

قلب و دل انسان بر اثر اشتغال به امور دنیوی زنگار غفلت و بی‌خبری به خود می‌گیرد و یاد مرگ می‌تواند زداینده این آلودگیها و روشنی بخش قلب و وجود آدمی باشد؛ همچنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ضمن سؤالی به این موضوع اشاره فرمودند: «إِنَّ الْقُلُوبَ تَصْدَأُ كَمَا يَصْدَأُ الْحَدِيدُ. قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا جَلَّوْهَا قَالَ قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ وَذِكْرُ الْمَوْتِ»^۳

۱. الکافی، ج ۳، ص ۲۵۶.

۲. همان، ص ۲۵۸.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۴.

۴. مثنوی معنوی، مولانا جلال الدین محمد بلخی، تصحیح نیکلسون، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۱ ش، دفتر ششم، ص ۹۵۹، بیت ۷۷۵ و ۷۷۴.

از جمله آثار یاد مرگ، رهایی از غفلت و هشیاری نسبت به حقایق مهم پیرامونمان می باشد

این میل و رغبت به دنیا را از دل انسان بیمار می شوید و می زداید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أَكْثِرُوا مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ فَإِنَّهُ يَزْهَدُ فِي الدُّنْيَا»^۱ مرگ را بسیار یاد کنید؛ زیرا یاد مرگ از میل و رغبت به دنیا می کاهد.»

ابی عبیده از امام باقر علیه السلام تقاضای موعظه ای کرد، ایشان به عملی توصیه نمودند که اثر آن زهد در دنیا است: «قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام حَدِّثْنِي بِمَا أَنْتَفِعُ بِهِ فَقَالَ يَا أَبَا عُبَيْدَةَ أَكْثِرْ ذِكْرَ الْمَوْتِ فَإِنَّهُ لَمْ يَكْثِرِ الْإِنْسَانُ ذِكْرَ الْمَوْتِ إِلَّا زَهَدَ فِي الدُّنْيَا»^۲ به امام باقر علیه السلام عرض کردم: چیزی بفرمای که از آن سود برم. فرمود: ای ابا عبیده! زیاد مرگ را یاد کن! چه هر انسانی آن را بسیار یاد کند، نسبت به دنیا بی رغبت می شود.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله در تفسیر زهد می فرماید: «الزَّهْدُ فِي الدُّنْيَا قَصْرُ الْأَمَلِ

وَشَكَرُ كُلِّ نِعْمَةٍ وَالْوَرَعُ عَنْ كُلِّ مَا حَرَّمَ اللَّهُ»^۳ زهد در دنیا [همان] کوتاه کردن آرزو و به جای آوردن شکر هر نعمت و پرهیز از تمامی محرمات الهی است.»

مسلم است که آدمی با داشتن این اوصاف، دارای مقامی با ارزش می گردد و سزاوار مدح دیگران می شود و بدون آن از تمام ارزشها سقوط می کند. روایت شده است که در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله از مردی یاد کردند و زیاد او را ستودند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «كَيْفَ كَانَ ذِكْرُ صَاحِبِكُمْ لِلْمَوْتِ؛ رَفِيقُ شِمَا بَا يَادُ مَرِغٌ جِغُونَهْ اسْت؟ أَنَهَا عَرَضُ كَرْدَنْد؛ «مَا كُنَّا نَكَادُ نَسْمَعُ يَذْكُرُ الْمَوْتِ؛ نَشْنِيدَهْ اِيْم كَهْ اَزْ مَرِغٌ يَادْ كَنْد.» آنگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «فَإِنَّ صَاحِبَكُمْ لَيْسَ هُنَاكَ»^۴ رفیق شما دارای موقعیتی نیست که شما می گوئید.»

انسانی که دل بستگیایی به دنیا پیدا کرده، بعضی از این دل بستگیها به

۱. مجموعه ورام، ورام بن ابی فراس، قم، انتشارات مکتب فقهیه، ج ۱، ص ۲۶۹.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۱۳۱.

۳. همان، ج ۵، ص ۷۱.

۴. مجموعه ورام، ج ۱، ص ۲۶۹.

چون قامت ما برای غرق است

کوتاه و دراز او چه فرق است^۴

۳. کوتاهی آرزو

گاهی انسان در اثر فراموشی مرگ، غرق در دنیا و امور دنیوی می‌گردد و برای آنچه که هنوز به دست نسیاورده، در دل، آرزوی وصال می‌نماید؛ اما هزار دریغ و افسوس که اجل به او مهلت نمی‌دهد و مرگ او را در کام خود فرو می‌کشد و آرزوهای دور و دراز را به خانه‌گور می‌برد.

یاد مرگ می‌تواند آرزوها را کوتاه کند و موجب بی‌قراری و کناره‌گیری از خانه‌ فریب (دنیا) گردد و آدمی را برای سرای جاودان آماده سازد؛ زیرا که آرزوهای طولانی، انسان را بیشتر در دنیا غرق و او را اسیر هوا و هوس نموده، در نتیجه عملش را بد می‌سازد؛ همچنان که حضرت علی علیه السلام به این نتیجه ناپسند اشاره و به عنوان یک قانون کلی مطرح می‌نماید و

۱. همان، ص ۱۴۹.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۳.

۳. همان، ص ۱۰۴.

۴. معراج السعاده، ص ۶۶۸.

دل‌بستگی دیگری می‌انجامد تا او را هلاک می‌کند؛ همچنان که حضرت عیسی علیه السلام فرمود: «مَثَلُ طَالِبِ الدُّنْيَا مَثَلُ شَارِبِ مَاءِ الْبَحْرِ كُلَّمَا إِزْدَادَ شُرْبًا إِزْدَادَ عَطْشًا حَتَّى يَفْتَلَهُ»^۱ حکایت طالب دنیا، حکایت کسی است که از آب دریا می‌نوشد. هر چه بیشتر بنوشد، بر عطش او افزوده شود تا او را بکشد.

با یاد مرگ، به تدریج دیدگاه انسان نسبت به دنیا تغییر می‌کند؛ به طوری که به مقدار اندکی از آن راضی می‌گردد. امیر المؤمنین علیه السلام در این باره می‌فرماید: «مَنْ أَكْتَرَ ذُكْرَ الْمَوْتِ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِالنَّيْسِ»^۲ کسی که بسیار یاد مرگ کند، به مقدار کمی از دنیا راضی می‌شود.

همچنین، با کسب زهد که در اثر یاد مرگ پدید می‌آید تحمل سختیها و مشکلات دنیا بر او دشوار نمی‌باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا هَانَتْ عَلَيْهِ الْمُصِيبَاتُ»^۳ هر که دل از دنیا برکند، مصیبت‌های آن بر او آسان می‌شود.

این خانه که خانه وبال است

پیدا است که وقف چند سال است

بِالصَّبَاحِ وَتُخَذُ مِنْ صِحَّتِكَ لِسُقْمِكَ، وَمِنْ شَبَابِكَ لَهَرَمِكَ وَمِنْ حَيَاتِكَ لَوَفَاتِكَ، فَإِنَّكَ لَا تَذَرِي مَا اسْمُكَ عَدَا؛^۳ چون به صبح می‌رسی درباره عصر فکر نکن و چون به عصر رسیدی درباره صبح فکر نکن. از سلامتی برای بیماریت و از جوانی برای پیریت، و از زندگی برای مرگت استفاده کن؛ زیرا نمی‌دانی فردا زنده‌ای یا مرده.»

همچنین ذکر شده است که هرگاه کسی کاری را به زمان آینده محول می‌کرد، حضرت مسئله مرگ را به او یادآوردی می‌کرد و وی را سخت مورد توبیخ قرار می‌داد.

ابوسعید خدری نقل می‌کند که اسامه بن زید از زید بن ثابت کنیزکی به بهای صد دینار و به مهلت یک ماه خرید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگامی که از این مسئله مطلع شد، فرمود: «أَلَا تَعَجِبُونَ مِنْ أُسَامَةَ الْمُشْتَرَى إِلَى شَهْرٍ إِنَّ أُسَامَةَ لَطَوِيلُ الْأَمَلِ وَالَّذِي نَفْسٌ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ مَا طَرَفَتْ عَيْنَايَ إِلَّا ظَنَنْتُ أَنْ سُفْرَى لَا يَلْتَقِيَانِ

می‌فرماید: «مَا أَطَالَ عَيْدَ الْأَمَلِ إِلَّا أَسَاءَ الْعَمَلِ»^۱ هیچ بنده‌ای آرزویش را طولانی نمی‌کند، جز اینکه عملش را بد می‌کند.»

به همین علت، ایشان آرزوی طولانی را به عنوان یکی از مواردی که از گسترش آن در امت اسلامی ترس داشت معرفی نمود، می‌فرماید: «إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ خِصْلَتَانِ، إِتِّبَاعُ الْهَوَىٰ وَطُولُ الْأَمَلِ، فَأَمَّا إِتِّبَاعُ الْهَوَىٰ فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ»^۲ وحشتناک‌ترین چیزی که از آن بر شما می‌ترسم دو خصلت است: پیروی هوی و آرزوی دراز. پیروی هوی [شمارا] از حق باز می‌دارد و آرزوی دراز [شمارا] از یاد آخرت به فراموشی می‌اندازد.»

در دستورات اسلامی نیز بر کوتاهی فکر و اندیشه در مورد ساعت‌های آینده دنیا، و منع از مشغول ساختن ذهن به امور دنیایی آتی، و مغتنم شمردن فرصت‌ها بسیار سفارش شده است؛ همچنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِذَا أَصْبَحْتَ فَلَا تُحَدِّثْ نَفْسَكَ بِالنِّسَاءِ وَإِذَا أَمْسَيْتَ فَلَا تُحَدِّثْ نَفْسَكَ

۱. الکافی، ج ۳، ص ۲۵۹.

۲. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۱۶۳.

۳. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۷۵.

همواره در یاد مرگ باشد، هیچ‌گاه عملی انجام نمی‌دهد که در قیامت نتواند پاسخگوی آن باشد و بدین سبب، عذاب الهی را بر خود هموار سازد؛ بلکه آرزوها را کوتاه نموده، سعی در طاعت و بندگی خدا خواهد داشت تا بهشت الهی را جایگاه خویش قرار دهد؛ همچنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اصحاب خود فرمودند: «أَكَلْتُمْ يُجِبُّ أَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ. قَالُوا نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ قَصُّوا الْأَمَلَ وَتَبَتُوا أَجَالَكُمْ بَيْنَ أَبْصَارِكُمْ وَاسْتَخَيُوا مِنَ اللَّهِ حَقَّ حَيَاتِهِ»^۱ آیا همه شما دوست دارید وارد بهشت شوید؟ عرض کردند: آری ای پیامبر خدا! فرمود: آرزوها را کوتاه کنید، مرگ را پیش چشم خویش قرار دهید و از خداوند چنان که سزاوار است شرم کنید!»

نتیجه سخن

بدون شک، ساعتی فکر کردن در مورد آخرت و بی‌اعتباری دنیا، مردن و کوچ کردن از دنیا، و باز کردن طنابهای خیمه‌های دنیا و خیمه زدن در آخرت،

حَتَّى يَفِيضَ اللَّهُ زَوْجِي وَمَا رَفَعْتُ طَرْفِي وَظَنَنْتُ أَنِّي خَافِضُهُ حَتَّى أَقْبِضَ وَلَا تَلَقَمْتُ لُقْمَةً إِلَّا ظَنَنْتُ أَنْ لَا أُسَيِّعَهَا أَنْ حَصِرُ بِهَا مِنَ الْمَوْتِ ثُمَّ قَالَ يَا بَنِي آدَمَ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ فَعُدُّوا أَنْفُسَكُمْ مِنَ الْمَوْتِ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّمَا تُوَعَّدُونَ لَا بَ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ؛^۱ آیا از اسامه در شگفت نیستید که خریدار تا یک ماه است؟ اسامه دراز آرزوست. به خدایی که جان محمد در قبضه قدرت اوست، چشمانم به هم نمی‌خورد، جز اینکه گمان می‌کنم پیش از آنکه مژه‌هایم به هم رسد، خداوند جانم را بگیرد. و چشم باز نمی‌کنم، جز اینکه گمان می‌برم پیش از آنکه چشم بر هم نهم جانم گرفته شود. و لقمه‌ای بر دهان نمی‌گذارم، جز اینکه گمان می‌کنم پیش از آنکه آن را فرو برم، بر اثر مرگ گلوگیرم گردد. سپس فرمود: ای فرزندان آدم! اگر خیرد دارید، خود را در زمره مردگان شمارید! سوگند به آنکه جانم به دست اوست! آنچه به شما وعده داده می‌شود، خواهد آمد و شما نمی‌توانید [خدا را] به عجز درآورید.»

بسیار روشن است انسانی که

۱. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۹.

۲. مجموعه ورام، ج ۱، ص ۲۷۲.

با یاد مرگ، به تدریج دیدگاه انسان نسبت به دنیا تغییر می‌کند؛ به طوری که به مقدار اندکی از آن راضی می‌گردد

معنای از دست دادن شور و نشاط برای فعالیت‌های دنیایی نیست و نباید چنین برداشتی از آیات و روایات مزبور کرد؛ بلکه اگر با این مقوله درست برخورد شود، سبب می‌گردد تا اعمال و رفتار ما جهت صحیح خود را بیابد و نه تنها در کارزار زندگی و فعالیتها سست نشویم، بلکه نشاط مضاعف داشته باشیم؛ همانطور که معصومین علیهم‌السلام و بزرگان با وجود اینکه زیاد به یاد مرگ بودند و همیشه خود را مهیای این امر می‌نمودند، در عین حال هیچ‌گاه از تلاش، حرکت و فعالیت‌های خود نمی‌کاستند.

بہتر است از عبادت یک سال؛ چرا کہ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآلہ‌وسلم فرمود: «فِكْرُ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ»^۱ یک ساعت فکر کردن از یک سال عبادت کردن بہتر است. «این فکر کردن، علفهای ہرز غفلت دل را می‌خشکاند، غریزہ شہوت را بہ زانو در می‌آورد، ارادہ انسان را در مقابل سختیها دوچندان می‌کند، آمال آدمی را کوتاه می‌سازد و دل را روشنی بخشیدہ، دلگرم بہ وعدہ‌های الہی می‌نماید؛ زیرا کہ دارویی است بر تمام دردہای جسمی و روحی انسان.

پس بسیار نیکوست کہ دست نیاز بہ درگاہ بی‌نیاز دراز نماییم و دعایمان همان سخن امام سجاد علیہ‌السلام باشد در آن هنگام کہ خبر مرگ کسی بہ ایشان می‌رسید و یا خود مرگ را یاد می‌کرد: «سَلِّمْنَا مِنْ غُرُورِهِ، وَأَمِنَّا مِنْ شُرُورِهِ، وَأَنْصِبِ الْمَوْتَ بَيْنَ أَيْدِينَا نَصْبًا وَلَا تَجْعَلْ ذِكْرَنَا لَهُ غِيًّا»^۲ [خداوند! ما را از فریب دنیا بہ سلامت بدار و از شر و فساد آن ایمن بخش و مرگ را در برابر ما بنمایان و روزی مباد کہ از یاد مرگ غافل باشیم. در پایان، این نکته را متذکر می‌شویم کہ بسیار یاد مرگ کردن، بہ

۱. بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۳۳.

۲. صحیفہ سجادیه، دعای چہلم.